



بانک تعاون بانک مردم است!

● گزارش از: محمد اسکندری

رئیس دانا: به رغم این که همیشه گرایشهای رفاهی و سوگیری‌های مردمی در دولتهای بعد از انقلاب بوده، اما یادمان باشد که یک دست برتر و گاهی بسیار برتر از طرف سرمایه داری تجاری و بخشی از سرمایه داری تولیدی کشور علیه تعاون وجود داشته است همان طور که علیه قانون کار وجود دارد.

● **مردم برای این که در رشد اقتصادی شرکت کنند باید مشارکت داشته باشند و برای این که مشارکت کنند باید رشد اقتصادی را ببینند. یکی از ابزارهای عملی و کارآمد که می‌تواند این دور را ایجاد کند بانک تعاون است.**

● **ممکن است عده‌ای بگویند این بانک مانعی برای انگیزه‌های سرمایه گذاری سود آور می‌شود. ولی اینها جزه‌های کوچکی هستند که همیشه قابل اثبات نیستند. در ثانی کاری به کل ندارد. یعنی پدیده‌های جزه‌نگر را که روی هم بگذاریم معنی اش این نیست که می‌توانیم استنتاج کلان بکنیم.**

بشنویم. وجه اشتراکی که در سخنان هر دو قابل مشاهده بود. فریاد این جمله بود که «بانک تعاون، بانک مردم است».

دکتر فریبرز رئیس دانا عدم تشکیل بانک تعاون و موانع ایجاد شده بر سر راه تشکیل آن را به دلیل عدم موفقیت نهضت تعاون در ایران می‌داند و می‌گوید: «تعاون دو معنی و سرشت متفاوت دارد. یک سرشت سنتی که در جامعه ما بوده و به صورت تعاون اجتماعی بین انسانها که بر بنیاد نیازهای تعریف نشده ولی به واقع موجود شکل گرفته است، مانند همیاری که مردم برای لایروبی قنوات داشته‌اند و ... و دیگری نهضت بزرگ اروپایی است.

او معتقد است که بیشترین لطمه را نهضت تعاونی کشور از بورژوازی و سرمایه داری کشور خورده است و در ادامه

عهده بخش تعاون باشد و این بخش حق دارد نماینده‌ای در دولت داشته باشد. این قصه فرود بود. اما تعاون در مجلس پنجم فرازی نیز دارد. اکنون کلیات «طرح اجازه تأسیس بانک تعاون» در مجلس شورای اسلامی تصویب شده و آن را برای بررسی به کمیسیون اقتصاد ارجاع داده‌اند. سوای از اهمیت تأسیس بانک تعاون، آن چه که مهم به نظر می‌رسد اهتمام نمایندگان مجلس در تقویت بخش اقتصاد تعاونی است که این خود حاکی از آن است که نمایندگان مجلس شورای اسلامی به مردمی بودن این بخش از اقتصاد واقف بوده و سعی در بالا کشیدن آن دارند.

برای این که با راهکارها و موانع تأسیس این بانک بیشتر آشنا شویم، پای صحبت دو صاحب نظر نشستیم تا گفته هایشان را

اعتقاد به چرخش روزگار در باور اکثر انسانها وجود دارد. آنها در گذر عمر خود شاهد اوج و حضیض پدیده‌ها و عزیزی و خواری انسان‌های دیگرند. نمونه‌ای از این فراز و فرود را می‌توان در نحوه نگرش نمایندگان مجلس شورای اسلامی به تعاون مشاهده نمود. در اواخر کار مجلس چهارم گروهی از نمایندگان، طرحی را برای تصویب ارایه دادند که طی آن وزارت تعاون منحل و دز وزارت بازرگانی ادغام شود. هر چند در هنگام رأی‌گیری، برای تصویب طرح، اکثریت قاطع نمایندگان مخالفت خود را با اجرای آن اعلام کردند ولی همین که گروهی از منتخبین مردم سعی در انحلال این وزارت مردمی داشته‌اند، جای تعجب دارد. گویی ارایه دهندگان طرح نمی‌دانستند که ۲۲ درصد اقتصاد مملکت می‌باید بر

می‌گوید: «رژیم گذشته سعی می‌کرد نهضت تعاون را به صورت ابزاری برای کنترل اجتماعی بعد از اصلاحات ارضی به کار ببرد. منتهی کنترل‌های مدیریتی اقتصادی. بنابراین روح و جوهره اصلی تعاون را که عبارت از خود انگیختگی، مشارکت مردمی و جایگزین کردن نیروی کار به جای سرمایه است، از تعاون گرفت و به جای این که نقش حاکمیت و سروری سرمایه را کم کند و به انسان و نیروی کار بها بدهد، سرمایه داری را بر کشید. دلیل این برکشیدن این بود که سرمایه داری بورکراتیک شاه نمی‌توانست نقش مردم را در اقتصاد برتابد. او از تعاونی این توقع را داشت که جای ارباب را بگیرد و هدف آن را یک نوع انتظام بخشی اقتصادی به عوض یک نوع فعالیت و فرآیند خود انگیخته اقتصادی می‌دانست. به همین دلیل نیز توزیع اعتبار، مساعده و بذری را که اربابان انجام و توزیع می‌کردند به تعاونی انتقال داد.

در بعد از انقلاب هم ضربه‌های اول از همان زمان برخورد احساساتی با تعاون وارد آمد. من یادم هست در بحث‌های مربوط به خیرگان قانون اساسی و بحث‌های جانبی آن بیشتر جنبه‌های انسان گرایی و حضور مردم بدون این که تعریف مشخصی برای آن باشد، حاکم بود تا شناخت واقعیت تعاون جدای از این سرمایه داری سوداگر، یا سرمایه داری بازاری و بخشی از سرمایه داری تولیدی به طور مؤثر در تصمیمات حضور داشته است. به رغم این که در زمان جنگ تصمیمات دولتی بوده است و به رغم این که همیشه گرایش‌های رفاهی و سوگیری‌های مردمی در دولتهای بعد از انقلاب بوده، اما یادمان باشد که یک دست برتر و گاهی بسیار برتر از طرف سرمایه داری تجاری و بخشی از سرمایه داری تولیدی کشور علیه تعاون وجود داشته است همان طور که علیه قانون کار وجود دارد. این گروه در این حصار تنگ سی تعاونی سعی می‌کنند در وجدان مردمی عدم علاقه به تعاون را رسوخ بدهند. مثلاً

می‌خواهی شرکتی تأسیس کنی می‌گویند سهامش خوب است. انگیزه‌های سرمایه را به جای انگیزه‌های انسانی رشد می‌دهند. هر چند نهضت تعاونی نیز قصد ندارد که انگیزه‌های اقتصادی را دور بریزد بلکه قصد دارد آنها را تجلی تازه‌ای بدهد به گونه‌ای که نتواند بر سرنوشت انسان مسلط شود. البته این تلقی از حرف‌های ما که واقعیت جریان را می‌گوییم گرفته نشود که ما می‌خواهیم تضادهای اجتماعی را تشدید کنیم. ما تضادهای اجتماعی را که وجود دارد نشان می‌دهیم تا راه فایق آمدن بر آن را پیدا کنیم. این تلقی از این گفته‌ها گرفته نشود که تفکر ما موجب به خطر افتادن وحدت ملی می‌شود، ما اتفاقاً چون وحدت ملی را به خاطر پشت پاهایی که به حرکت‌های مردمی و جمعی می‌زنند در خطر می‌بینیم، به این بحث‌ها پرداخته و نقاط درد را مشخص می‌کنیم.

او یکی از شاخص‌های رشد نهضت تعاونی در ایران را ایجاد بانک تعاون می‌داند و چنین ادامه می‌دهد: «تأسیس بانک تعاونی یکی از تصمیمات جدی، مؤثر و خوب می‌تواند باشد. هر چند ممکن است عده‌ای بگویند این بانک مانعی برای

انگیزه‌های سرمایه گذاری سودآور می‌شود، ولی اینها جزء‌های کوچکی هستند که همیشه قابل اثبات نیستند. در ثانی کاری به کل ندارند. یعنی پدیده‌های جزء نگر را که روی هم بگذاریم معنی‌اش این نیست که می‌توانیم استنتاج کلان بکنیم. جدای از این اگر قرار است فرزندی راه رفتن را بیاموزد حتماً باید راه برود و از اتفاقاتی که در راه رفتن باید منتظرش باشیم زمین خوردن است. این گونه او یاد می‌گیرد که چگونه بلند شود. در اینجا داستانی به خاطر آمدن در گذشته دور جوانی بود که می‌خواست از روستایش خارج شود و به شهر برود، پدر بزرگش با این عمل مخالفت می‌کرد و می‌گفت راه شهر پر از خطر است و خود شهر خطرناکتر از راهش. تو همچون من از روستا بیرون مرو چون با خروج از اینجا در دسرهای زیادی را برای خودت فراهم خواهی کرد. جوان که نوجو بود و دوست داشت دنیاها را تازه را ببیند به خود جرأت داد و سنوالی را که هیچ یک از نوه‌های پدر بزرگ از او نکرده بودند مطرح کرد. او گفت: پدر بزرگ شما که تا حالا طبق گفته خودتان از این ده بیرون نرفته‌اید چگونه می‌توانید بگویید خروج از این ده در دسرش بیشتر است یا ماندن در آن».

دکتر هادی غنیمی فرد در خصوص دلایل تشکیل این بانک می‌گوید: «نیاز بخش تعاون به یک منبع مستقل برای تأمین اعتبارات، نقدینگی و نیازهای ضروری ایجاد می‌کند که یک سازمان مالی معتبر و قابل دفاع وجود داشته باشد. لذا با توجه به محدودیت‌های فوق العاده صندوق تعاون، احساس می‌شود مؤسسه مهم‌تری بایستی با جمع آوری پس‌اندازها و وجوهی که در بخش تعاون در واحدهای تعاونی جابجا می‌شود، با استفاده از فنون جایجایی نقدینگی و بانکداری، نیاز این بخش را برطرف نماید. این است که با ایجاد مؤسسه معتبری مانند بانک تعاون که در تمام کشورهای جهان فعالیت دارد می‌توان به این مهم دست یافت. با توجه به این مسئله از سال ۱۳۷۵ مجموعه تعاونیهای تولیدی و



ظاهر آدر مجلس شورای اسلامی مشکلی وجود ندارد، زیرا لیست ۱۹ نفره‌ای که طرح را ارائه داده‌اند تنوعی از جناح‌های مختلف را نشان می‌دهد. اما این سوال باقی است که شورای نگهبان و احتمالاً مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز با تشکیل بانک تعاون و به قولی بانک مردم موافقت خواهند نمود؟

گسیل داشت. با این رویه هم روستاییان و تعاونگران را با امور بانکی آشنا می‌کنیم و هم بانک به عنوان یک مرکز انتقال مسائل و نیازهای نقاط مختلف کشور می‌تواند مورد استفاده واقع شود.»

اولین مشکلی را که مخالفان طرح مطرح می‌کنند مغایرت آن با قانون اساسی است. دکتر رئیس دانشا در این مورد می‌گوید: «خیلی چیزها با قانون اساسی تناقض پیدا می‌کند، خیلی‌ها از نظر خودشان قانون اساسی را توصیف می‌کنند. مثلاً شما پای گفته‌های اتاق بازرگانی بنشینید می‌گوید آن جاهایی که در قانون اساسی نقش دولت را در قتل استراتژیک جدی دانسته است به هم بزنیم، چون به زیان توسعه اقتصادی است مثل خصوصی سازی تأسیساتی مثل نفت یا خصوصی کردن حمل و نقل دریایی کشور. اگر شما از منظر تعاونی به قضیه نگاه کنید می‌گویید بانک‌هایی که این طور تشکیل می‌شود، بخش خصوصی نیست که جایگزین دولت می‌شود، بلکه مردم یا به عبارتی تعاونی است که صاحب این بانک است. جدای از این ما نظارت عالی دولت بر نظام بانکی کشور را نفی نمی‌کنیم. من به هیچ وجه تحت هیچ عنوان نقش نظارت فایده و مسئولیت توسعه اجتماعی و اقتصادی یک دولت را به شرط این که مطابق همان قانون، آن دولت مردم گرا باشد زیر سوال نمی‌برم.»

او در ادامه می‌گوید: «از طرفی الآن بعد از ۲۰ سال اوضاع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دگرگون شده و هیجانات فروریخته است و وارد عرصه جدیدی از جامعه مدنی و دموکراتیک به همت و خواست مردم می‌شویم. جدای از این اگر ما می‌گوییم توسعه اقتصادی می‌خواهیم، به نوعی مشارکت مردمی هم می‌خواهیم. من

خدمات تولیدکنندگان در همایش‌های متعدد، جلسات، ملاقاتها، مقالات و تماسهایی که داشته‌اند لزوم تأسیس این بانک را گوشزد کرده‌اند. تا این که در سال ۱۳۷۷ مجلس شورای اسلامی کلیات این طرح را تصویب و آن را به کمیسیون اقتصاد ارجاع داد. البته نمایندگان محترم توجه داشته باشند که بهترین شکل ظهور این پدیده در قالب شرکت تعاونی باید باشد چون در شرکت‌های تعاونی ازدیاد و تقلیل سرمایه مستلزم تشریفات خاص قانونی زمان بر نیست به همین دلیل هنگامی که تأسیس بانک تعاون تصویب گردد می‌تواند برای هر شخصی که داوطلب گشایش حساب در بانک است آن را مشروط به خرید اقل یک سهم از سهام بانک بنماید و با توجه به گستردگی بخش تعاون در روستاها، صنایع و توزیع مایحتاج عمومی در سطح کشور، به راحتی می‌توان تخمین زد که اگر حدود ده میلیون نفر از تعاونگران، هر کدام یک سهم ده هزار تومانی بخرند سرمایه اولیه بانک با رقمی حدود یکصد میلیارد تومان برابر خواهد بود.»

گسترش بانک تعاون تنها در افراد عضو خلاصه نمی‌شود بلکه از نظر جغرافیایی نیز می‌توان این بانک را توسعه داد.

دکتر غنیمی فرد در ادامه صحبت‌هایش می‌گوید: «از آن جا که فعالیت این بانک به صورت تعاونی است می‌توان شعب و باجه‌هایش را بدون ترس از مسائلی که بانک‌های دیگر از نظر امنیتی دارند به دور افتاده‌ترین نقاط کشور و در دل روستاها برد. حتی مانند بخش غربی آلمان باجه‌های بانک را می‌توان بر روی اتومبیل‌های استیشن کوچک مستقر کرد و برای انجام امور بانکی تعاونی‌های روستایی به تمام نقاط کشور

اقتصاددانان به شما می‌گویم بخشی از فرآیند توسعه اقتصادی و یا رشد اقتصادی ما در گرو صرفه جویی است. صرفه جویی را باید مردم بکنند، صرفه جویی کردن افراد ممتاز و سیر که دردی را دوا نمی‌کند. یعنی مردم با صرفه جویی کردن باید در توسعه اقتصادی مشارکت کنند که این از عوامل رشد اقتصادی است. وقتی مردم این گونه مشارکتی را در پیش می‌گیرند باید از نتیجه کارشان راضی باشند. همیشه با شعار و آرزو که نمی‌شود مردم را به کاری وادار کرد، مردم وقتی حاضر به صرفه جویی شدند باید پس از مدت کمی نتایج آن را ببینند. به عبارتی مردم برای این که در رشد اقتصادی شرکت کنند باید مشارکت داشته باشند و برای این که مشارکت کنند باید رشد اقتصادی را ببینند یکی از ابزارهای عملی و کارآمد که می‌تواند این دور را ایجاد کند بانک تعاون است. این مجموعه به مردم می‌گوید که این بار ما شما را فریب نمی‌دهیم. این دفعه عضو جامعه بعد از صرفه جویی کردن و در حقیقت فداکاری کردن به خاطر رشد، شاهد آن نخواهد بود که بعد از چند سال حاصل صرفه جویی‌اش به جیب و کیسه یک عده خاص واریز شده است. جدای از این مشارکت این گونه‌ای به خاطر سود، با نظام سود بازار فرق دارد. نظام سود بازار می‌تواند یک نوع لیبرالیسم لذت - درد باشد که آمیخته با نظریه اصالت سود جویی «نبتام» است که شکست خودش را به دلیل فردگرایی در جوامع مدنی نشان داده است. آن چه مورد نظر من است یک نگرش جامعه مدنی نوین است که هم دموکراسی آن مشارکتی است و هم زندگی اقتصادی مشارکتی است. صد البته که همه واحدها را نمی‌توان توسط تعاونی اداره کرد و بعضی از واحدها باید توسط دولت یا شرکتهای سهامی اداره شوند ولی تا آن جا که به رفاه عمومی و ایجاد اشتغال مربوط می‌شود ما به اقداماتی نظیر ایجاد بانک تعاون احتیاج داریم.»

دکتر غنیمی فرد در مورد تعارض طرح تشکیل بانک با قانون اساسی می‌گوید:

«وقتی قانون اساسی ما نوشته می‌شد با توجه به عملکرد دولتهای قبل از انقلاب که کلیه امتیازات و امکانات را برای گروه خاصی منحصر کرده بودند، ناچار عکس العمل همین بود که ما دیدیم. یعنی بسیاری از مسائل از بخش خصوصی گرفته شود و به بخش دولتی داده شود. البته وقتی ما از این منظر به قضیه نگاه می‌کنیم عکس العمل در مقابل آن روش در بعد از انقلاب، روش بعد از انقلاب بود. ولی امروز ما دیگر آن مسائل را نداریم. ما دیگر سرمایه دار بزرگ نداریم که بتواند یک بانک را قبضه کند و اختیارات آن را به عهده بگیرد. اگر یک روزی هم گفته شود یک بانک مال یک نفر ما خیلی موافق نیستیم. ولی اگر بخش خرده‌پا بیاید و بانک را به شکل مشارکت عمومی اداره کند این به نفع کشور است. برای تعارض با قانون اساسی نیز ما مجلس خبرگان و شورای تشخیص مصلحت داریم که در آن جا در صورتی که تشخیص داده شد که تصویب این قانون به نفع مملکت

توانایی کار کردن را دارد چرا باید بیکار باقی بماند. از طرف دیگر که نگاه می‌کنیم می‌بینیم که نبود سرمایه و مدیریت این معضل را تشدید می‌کند و دولت قادر نیست که بیش از این مدیر به جامعه ارایه کند، چون اداره کردن آن مدیرها یک مدیریت فوق العاده می‌خواهد که هنوز هیچ دولتی در دنیا نتوانسته است شریاطی را برای یک مدیریت عظیم متمرکز فراهم کند.

سر دسته این کشورها شوروی بود که دیدیم به چه روزی افتاد. همه دیدیم که وقتی سیخ کباب را کشیدند تمام دانه‌های آن متفرق شد. نمونه دیگر چین است که دید نمی‌توان کشور را با یک مدیریت متمرکز اداره کرد به همین دلیل به واحدهای خصوصی کوچک اجازه داده که کار بکنند و به اصطلاح به نوعی بخش خصوصی تن در داده است.

امروزه کشورهای این گونه‌ای به این نتیجه رسیده‌اند که تمامی یک کشور حتی ده میلیونی را نمی‌توان متمرکز اداره کرد.

رئیس دانا: ما اگر یک بانک تعاونی ایجاد کنیم و بخواهیم گرفتار عدالت در فقر بشویم، یعنی بگوییم حالا منابع را به صورت حلوا جوی تقسیم کنیم به نتیجه نخواهیم رسید و این خطرناک است. اگر اجازه هم بدهیم که در همین منابع سرمایه داری سوداگر دستکاری بکند باز هم خطرناک است. به نظر من مهم‌ترین بخش صرف منابع باید به طرف فرهنگ سازی (فرهنگ تعاون) برود.

است برای آن استثنا قایل می‌شوند و با توجه به مطالعات انجام شده رأی به تصویب آن می‌دهند. ما وقتی در مناطق آزاد اجازه تأسیس بانک به صورت خصوصی را می‌دهیم، متوجه می‌شویم که یک مسائلی با روزهای اول فرق کرده است و ما الآن نیازمند آن هستیم که سرمایه‌های دنیا را به طرف کشورمان بکشیم و آنها را به کار گیریم.

ما نیروی فوق العاده‌ای در کشور ذخیره داریم که متأسفانه در حال حاضر هدر می‌رود و به شکل آدمهای بیکار حضور پیدا می‌کند. انسان واقعاً متأثر می‌شود که چرا ملتی که از هوش بالایی برخوردار است و

چون اگر قرار باشد این کار بکند یک هیأت دولت سه هزار نفری می‌خواهد که هر کدام در یک رشته متخصص باشند و همه هم مثل هم فکر کنند که این از نظر عقل ممکن نیست زیرا حتی دو انسان را نیز نمی‌توان عیناً شبیه هم پیدا کرد. این تفاوتها در کشور ما ایران با توجه به تنوع اقوام و فرهنگها خودش را بیشتر نشان می‌دهد. با توجه به این مطلب می‌توان گفت که بهترین شکل مشارکت مردمی در دنیا تعاونی‌ها هستند و برای تقویت تعاونی‌ها باید به تأسیس بانک تعاون اقدام نماییم.

دکتر غنیمی فرد از معضلات بانک تعاون نیز می‌گوید: «از معضلاتی که با تشکیل

بانک تعاون با آن روبرو خواهیم شد این است که تصور کنیم این بانکها مانند سایر بانکهاست. بانکهای دیگر خیلی تجاری فکر می‌کنند و تصورشان این است که از این پول چقدر می‌توانند سود کنند. در حالی که در بخش تعاون ما به این فکر می‌کنیم که چقدر از سود پولمان می‌توانیم در ارائه خدمتی که بر عهده‌مان گذاشته شده، استفاده کنیم. به عبارتی در بانک تعاون با تلفیق این دو تا یعنی این که ضرر نکنیم و خدمت به عهده گذاشته را به خوبی انجام دهیم، کار می‌کنیم»

در حالی که در ماده ۹ قانون عملیات بانکی بدون ربا تأکید شده که در اعطای تسهیلات اعتباری به بخش بازرگانی، تعاونی‌ها در اولویت قرار دارند، ولی در عمل می‌بینیم که چنین سیاستی اعمال نمی‌شود. دکتر غنیمی فرد می‌گوید: «وقتی که یک شرکت تعاونی از یک بانک تقاضای اعتبار می‌کند نمی‌تواند با یک شرکت خصوصی رقابت کند. چون بخش خصوصی می‌گوید که از این مثلاً صد تومان این قدر درصد سود درخواهم آورد که مقداری از آن را به بانک می‌دهم، مقداری صرف هزینه‌ها می‌کنم و سهم عمده‌ای هم از این سود برای خودم باقی می‌ماند. ولی در تعاونی‌ها این سهم عمده در سود را نمی‌خواهیم، بلکه سود در اینجا، خدماتی است که تعاونی انجام می‌دهد چون اکثر تعاونگران نیازمند آن خدمات هستند»

دکتر رئیس دانا نیز می‌گوید: «ما اگر یک بانک تعاونی ایجاد کنیم و بخواهیم گرفتار عدالت در فقر بشویم، یعنی بگوییم حالا منابع را به صورت حلوا جوی تقسیم کنیم به نتیجه نخواهیم رسید و این خطرناک است. اگر اجازه هم بدهیم که در همین منابع سرمایه داری سوداگر دستکاری بکند باز هم خطرناک است. به نظر من مهم‌ترین بخش صرف منابع باید به طرف فرهنگ سازی برود. من نمی‌گویم منابع مردم، بلکه سودی که عضو می‌خواهد ببرد، البته با قانع کردن اعضاء، باید صرف فرهنگسازی شود تا فرهنگ تعاون آرام آرام گسترش

با توجه به گستردگی بخش تعاون در روستاها، صنایع و توزیع مایحتاج عمومی در سطح کشور، به راحتی می‌توان تخمین زد که اگر حدود ده میلیون نفر از تعاونگران، هر کدام یک سهم ده هزار تومانی بخرند، سرمایه اولیه بانک با رقمی حدود یکصد میلیارد تومان برابر خواهد بود.

پیدا کند. این فرهنگ سازی بنا به دو دلیل باید صورت بگیرد. یک مقدار به عنوان وظیفه اجتماعی جنبش تعاونی کشور که وظیفه‌ای ایدئولوژیک و ملی است و یک مقدار دیگر به عنوان وظیفه مربوط به منابع خود اعضاء بانک، یعنی اگر اعضاء بدانند در صورت گسترش این فرهنگ مشتری‌های بانکشان زیاد می‌شوند، مطمئناً با آن موافقت خواهند کرد.

نهضت تعاون یک نهضت اخلاقی است، یک نهضت مردم‌گرایانه است. ما اگر بتوانیم یک سیستم مدیریتی در بانکمان به وجود بیاوریم که هر مشتری بانک با احساس رضایت خاطر بیشتری به بانک مراجعه کند قدم بزرگی را بر داشته‌ایم. در بانک تعاون صاحبان حساب خودشان را صاحب بانک می‌دانند و حتی نسبت به کارمند خسته بانک نیز احساس همدردی می‌کنند و با او یک درد مشترک را حس می‌کنند.»

دکتر رئیس دانا از مزایای این بانک در تغییر زندگی آینده مردم نیز خبر می‌دهد و چنین می‌گوید: «می‌توان در این بانک ابتکارهای معینی داشت، مثلاً باز کردن حساب برای جهیزیه، تحصیلات و کار آینده فرزندانمان. باید به خانواده‌های جوان یاد بدهیم که خودشان را متعلق به یک جریان اجتماعی بدانند که آن جریان اجتماعی هم متعلق به خودشان است. این جریان اجتماعی جنبش تعاونی است که بخش مهم کارکردی و تأمین سرمایه آن بانک تعاون است. خانواده‌ها باید پس اندازهایی را برای آینده فرزندان کوچکشان در بانک به وجود آورند. می‌شود به آنها گفت که فرزند شما در ۱۸ سال دیگر احتیاج به هزینه تحصیل دانشگاه، جهیزیه و یا سرمایه برای کار خواهد داشت و از الآن باید به فکر آینده او بود. البته زوجهای خوشبختی که تازه زندگی تشکیل داده‌اند می‌دانند که این حرف مقداری شعار گونه است و شرایط تورمی امروزه اجازه چنین کاری را به آنها نمی‌دهد. ولی این شرایط مانع از طرح بحث نمی‌شود، چون این

اوضاع تغییر خواهد کرد.

به این صورت بانک طی هدفهای بلند مدت با پس اندازهای مردم عجین و آمیخته خواهد شد.»

دکتر غنیمی فرد نیز از ایجاد اشتغال و امنیت شغلی در واحدهای تولیدی که به وسیله اعتبارات بانک تعاون تأسیس خواهد شد، می‌گوید: «یک شرکت تعاونی تولیدی قصد دارد افرادی را که فکر و نیروی کار دارند مشغول به کار کند و تنها به این فکر نیست که محصولی را تولید کند و با فروش آن سود خود را ببرد و بلکه دغدغه مهم‌تر آن این است که عضو تعاونی را که خوب فکر و کار می‌کند به کار گیرد و از نیروی او استفاده کند و او را ترغیب به استفاده از استعدادهایش بکند. در طول روند تولید ما اگر ببینیم به سود دهی نمی‌رسیم کار را تعطیل نمی‌کنیم. البته مطالعه می‌کنیم تا بتوانیم مانع زیان دهی واحد تولیدی و تبدیل آن به یک واحد سودده بشویم ولی به هیچ وجه دنبال این نیستیم که این واحد تولیدی به قول تاجرها در ماه تومان به تومان زمین بگذارد. به این گونه می‌بینیم که واحدهای تولیدی بخش تعاون که با اعتبارات بانک تعاون راه اندازی می‌شوند امنیت شغلی برای نیروهای خود را نیز فراهم می‌کنند، که این از رسالتهای بخش تعاون است.»

دکتر غنیمی فرد در مورد تأثیر تأسیس بانک تعاون بر روند مهاجرت می‌گوید: «از معضلات دیگر مملکت، مهاجرت بی‌رویه روستائیان به شهرها است که دلایل آن بر همگان روشن است. ایجاد بانک تعاون می‌تواند تسهیلات بیشتری را در روستاها فراهم آورد که این خود موجب کاهش مهاجرت خواهد شد. بگذارید بیشتر توضیح بدهم. از دلایل مهاجرت روستائیان به

شهرها می‌توان به دو نکته اساسی اشاره نمود. یکی نبود کار و دیگری نبود جاذبه‌های شهری است. در روستا نیروی کار فراوان است، بانک تعاون می‌تواند با دادن اعتبار لازم که البته پرداخت آن باید حتماً با مطالعه صورت گیرد بازار کار در روستا را فراهم کند. از طرفی بانک تعاون می‌تواند جاذبه‌های شهری را هم تا حدودی به روستا ببرد. مثلاً همان ماشینی که نقش بانک سیار را دارد می‌تواند در هر بار مراجعه به روستا یک دستگاه نمایش فیلم را به روستا برده و موجبات سرگرمی مردم را فراهم سازد. یا این که یک فروشگاه لوکس در داخل یک اتوبوس به وجود آورد و به روستا ببرد و چون تمام این وسایل مال خود او است در حفظ و نگهداری آن کوشا خواهد بود.

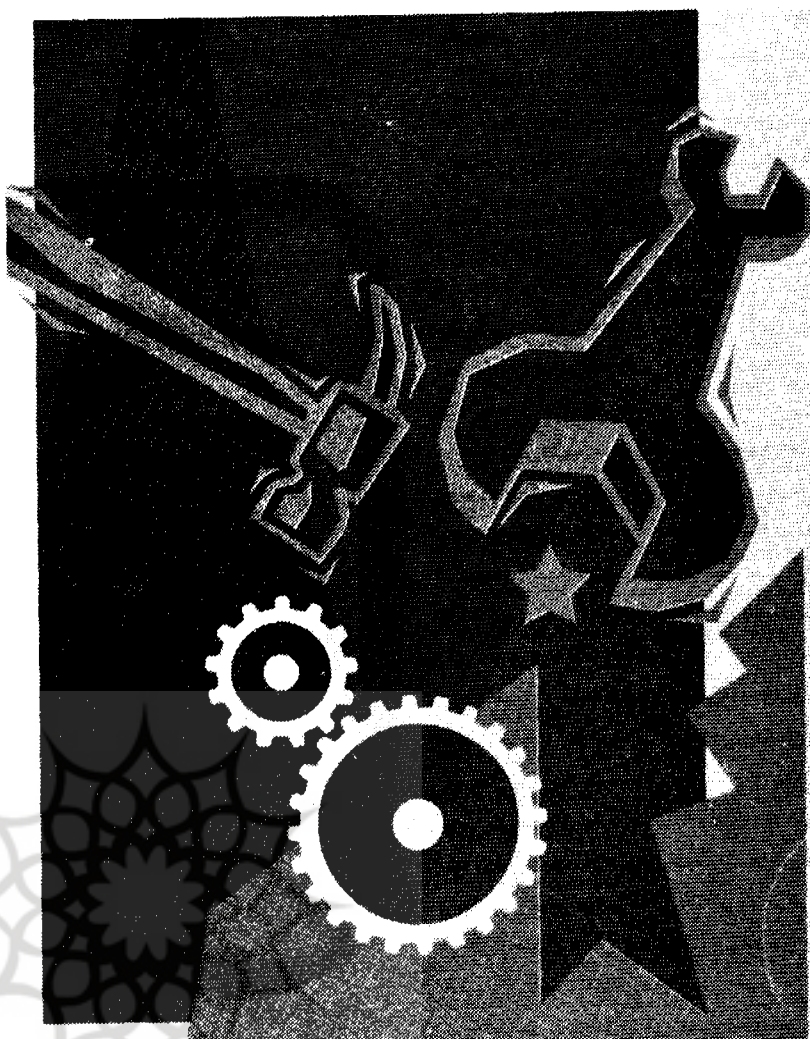
او در خصوص ایجاد حس مالکیت مردم نسبت به تعاونی‌ها می‌گوید: «تا به حال در مملکت ما مردم احساس می‌کردند دولت درآمد خود را از زیر خاک در می‌آورد و موظف است هزینه زندگی مردم را تقبل کند. این دیدگاه ریشه در تاریخ گذشته ما دارد. با پیدا شدن نفت و شروع سلطنت رضا شاه این طرز تفکر تشدید شد. اما بعد از انقلاب ما یک قدم به طرف جلو برداشتیم. امروزه حرف مشارکت مردمی را می‌زنیم که این نشانه آن است که ایده آن در کشورمان پیدا شده است. ولی ما نباید این ایده را جا بیندازیم. مثلاً اگر فلان روستایی متوجه بشود این ماشینی که دارد می‌آید مال خودش است، نمی‌گذارد کسی به آن آسیب برساند در صورتی که در گذشته آن را مال دولت می‌دانستند و چون دولت در مقابل مردم قرار داشت روستایی هیچ گونه حساسیتی در مقابل آسیب رساندن به آن از خود نشان نمی‌داد.»

انشاء... از این تمرین به کارهای بزرگتر و هدفهای وسیعتر دست یابیم»

دکتر رئیس دانا در انتهای سخن چنین هشدار می‌دهد: «اگر تشکیل بانک تعاون را بخشی از یک حرکت تدریجی برای حاکمیت مردم در حوزه اقتصاد بدانیم نگرانی برای ما که طرفدار جنبش تعاونی، جنبش عدالت اجتماعی، اقتصاد انسانی و توسعه انسانی هستیم به وجود می‌آورد. چون که اگر این پدیده منحصر به فرد تنها حرکت کند و شرایط زیر ساختی، جانبی و محیطی برایش فراهم نیاید، این زیر سیستم که بنا کرده‌ایم، با همه مراقبتی که از آن کرده‌ایم در جا زمین بخورد و از آن مهمتر زمیشت بسزنند، آن را به حساب نهضت تعاون بگذارند.»

او در مقابل این سؤال که چه گروهی نمی‌خواهند نهضت تعاون و در نتیجه بانک تعاون شکل بگیرد، می‌گوید: «گروهی که مایل به زمین خوردن نهضت تعاون هستند، کسانی‌اند که به لحاظ سرشت اقتصادیشان و سوگیری منافع طبقاتی شان خصلت ضد تعاونی دارند و نمی‌توانند یک بانک تعاونی را که در واقع پس اندازها را جمع می‌کند و در راستای رفاه مردمی به کار می‌برد تحمل کنند. این افراد می‌خواهند قدرت فایقه بر پس اندازهای مردم باشند و به وسیله آنها احتکار کنند، یا آذوقه مردم را تلمبار بکنند و یا واحدهای تولیدی کشور را از آن خودشان بکنند. حتی به تازگی فریاد خصوصی سازی چاههای نفت را سر داده‌اند و بعضی هم دنبال کلانتریهای خصوصی هستند!»

با توجه به رقبای قدرتمندی که بانک تعاون دارد، آیا در آینده شاهد راه اندازی آن خواهیم بود. ظاهراً در مجلس شورای اسلامی مشکلی وجود ندارد، زیرا لیست ۱۹ نفره‌ای که طرح را ارائه داده‌اند تنوعی از جناحهای مختلف را نشان می‌دهد. اما این سؤال باقی است که شورای نگهبان و احتمالاً مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز با تشکیل بانک تعاون و به قولی بانک مردم موافقت خواهند نمود؟



دکتر هادی غنیمی فرد: نیاز بخش تعاون به یک منبع مستقل برای تأمین اعتبارات، نقدینگی و نیازهای ضروری ایجاد می‌کند که یک سازمان مالی معتبر و قابل دفاع وجود داشته باشد.

هزینه‌ها را به حداقل می‌رسانند و این همان موردی است که از اول انقلاب مورد توجه مسئولان بوده که مردم در تمام امور خود را صاحب حق دانسته و صاحب کشور بدانند و با دارایی‌های کشور همان گونه برخورد کنند که با داراییهای خودشان برخورد می‌کنند. در این صورت آحاد ملت می‌توانند از مواهب موجود در مملکت به طور کامل برخوردار شوند.

به هر حال بانک تعاون یکی از پدیده‌هایی است که به اعضاء بخش تعاون القا خواهد کرد که مشارکت مردمی چیست و چگونه می‌تواند اعمال شود. باشد که

اصولاً ایجاد چنین بانکی که مردم خود را صاحب آن بدانند و در یک سطح وسیع مالکیت را اعمال نمایند باعث آن خواهد شد که علاقه به مالکیت، بسیاری از مسائل مورد نظر توسعه را خود به خود انجام دهد.

به عنوان مثال اگر قصد داشته باشیم در این کار از هزینه‌های متفرقه و لوکس صرفه نظر کرده و بیشتر درآمد خود را صرف کارهای اصولی کنیم، صاحبان حسابهای بانک مجری این عمل خواهند بود. چون آنها می‌دانند که هزینه‌ها از پول خود آنها صرف خواهد شد بنابراین با یک سنت عقلانی